

بررسی رابطه مدل کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت با  
میانجی‌گری‌های خودکنترلی و هوش هیجانی

Study of the relationship model of family function and  
problematic Internet with the mediating of self-control and  
emotional intelligence

Askar Atashafrouz عسکر آتش‌افروز

**Abstract**

The aim of current study was to investigate the relationship model of family function and problematic internet with the mediating of self-control and emotional intelligence in students. 285 Shahid Chamran University students were selected using randomly clustering sampling method of 12 classes, and responded to young's Internet Addiction Test (IAT), Family Assessment Device (FAD), and Bradberry and Greaves Emotional Intelligence, and Tang et al, Self-control Questionnaire. The data were analyzed by path analysis, and AMOS statistical software. The results showed that propositional model is fit sufficient, and all of the paths were significant except of path to the family function to problematic internet. Also, self-control, and emotional intelligence as mediating variables have a important role in prevention of problematic internet. There for, families can insemination their children with strengthen self-control and emotional intelligence, against use of problematic internet.

**Keywords:** Family function, problematic Internet, self-control, emotional intelligence

**چکیده**

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت با میانجی‌گری‌های خودکنترلی و هوش هیجانی در دانشجویان بود. ۲۸۵ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از ۱۲ کلاس انتخاب و به آزمون اعتیاد به اینترنت یانگ (IAT)، ابزار سنجش کارکرد خانواده (FAD)، پرسشنامه هوش هیجانی برادبری و گریوز و پرسشنامه خودکنترلی تانگی و همکاران پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر و نرم‌افزار آماری AMOS تحلیل شدند. نتایج نشان داد که کارکرد خانواده با خودکنترلی و هوش هیجانی همبستگی مثبت و معنی‌دار و هوش هیجانی و خودکنترلی با استفاده مشکل‌زا از اینترنت همبستگی منفی و معنی‌دار دارند، اما بین کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت همبستگی وجود ندارد ولی به‌طور غیرمستقیم می‌تواند از طریق ارتقاء سطح خودکنترلی و هوش هیجانی نقش مهمی در پیشگیری از ابتلا به استفاده مشکل‌زا از اینترنت ایفا نماید. بنابراین خانواده‌ها می‌توانند با تقویت خودکنترلی و هوش هیجانی فرزندان، آنها را در برابر استفاده مشکل‌زا و افراطی از اینترنت تلقیح نمایند و لذا ضرورت دارد جهت تقویت کارکرد خانواده‌ها به توانمندسازی هر چه بیشتر آنان پرداخته شود.

**واژه‌های کلیدی:** کارکرد خانواده، استفاده مشکل‌زا از اینترنت، خودکنترلی، هوش هیجانی

### مقدمه

بدون شک اینترنت پیشتاز انقلاب صنعتی جدید است. امروزه اینترنت به تمام جنبه‌های زندگی بشر از جمله تحصیل، کار، خرید، سرگرمی، روابط اجتماعی و غیره رسوخ کرده است و استفاده از این نوع فناوری در تمام کشورها متداول و روزافزون است (لیتراس و دی پابلوس، ۲۰۱۱). طبق گزارش سایت «آمار جهانی استفاده از اینترنت» میزان اینترنت در ایالات متحده آمریکا از ۷۴ درصد جمعیت در سال ۲۰۱۴ به ۸۷/۹ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است (سایت آمار جهانی استفاده از اینترنت، ۲۰۱۵). در کشور ما نیز بر طبق گزارش «مرکز توسعه ملی اینترنت» تعداد کاربران اینترنت با وجود کاستی‌های موجود در زیرساخت‌ها از رشد قابل توجهی برخوردارند، به طوری که از ۵۹ درصد جمعیت در سال ۱۳۹۲ به ۷۴ درصد جمعیت در سال ۱۳۹۴ رسیده است. نکته قابل توجه در گزارش مرکز توسعه ملی اینترنت این بود که بیشتر کاربران اینترنت در حوزه سنی ۱۰ تا ۲۵ سال، یعنی از میان دانش آموزان و دانشجویان بوده‌اند، به طوری که امروزه اینترنت از ارکان مهم سبک زندگی دانش آموزان و به خصوص دانشجویان شده است (سایت مرکز توسعه ملی اینترنت، ۱۳۹۴). رشد روزافزون استفاده از اینترنت در کنار فواید بی‌شمار آن از جمله دسترسی سریع، آسان و ارزان به اطلاعات می‌تواند پیامدهای منفی مهمی را برای افراد به همراه داشته باشد، به خصوص اگر میزان استفاده از اینترنت توسط هر کاربر از حد معینی فراتر رود. همین امر در سال‌های اخیر باعث ظهور پدیده‌ای به نام «استفاده بی‌رویه یا مفرط از اینترنت» شده است، گاهی با عناوین دیگری نظیر «اعتیاد به اینترنت»، «استفاده مشکل‌زا از اینترنت» و یا «استفاده بیمارگونه از اینترنت» از آن یاد شده است (فلاح مهنه، ۱۳۸۶؛ کلی و گروبر، ۲۰۱۰).

اگر چه اختلاف نظر در میان محققان در مورد تعریف «استفاده مشکل‌زا از اینترنت» وجود دارد، ولی بیشتر تعاریف بر سر اینکه این اختلال، نوعی میل کنترل نشده یا وسواسی اجباری و ناسازگار در مورد استفاده از اینترنت و وقت‌گذرانی در شبکه‌های اجتماعی است، توافق نظر دارند (یاو، پوتنزا و وایت، ۲۰۱۳). همچنین، استفاده مشکل‌زا از اینترنت به عنوان یک سندرم چندبعدی که پیامدهای مختلفی از جمله اختلال در حوزه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، تحصیلی و حرفه‌ای برای یک شخص به همراه دارد تعریف شده است (کاپلان، ۲۰۰۵). پژوهش‌های بسیاری برخی از پیامدهای استفاده مشکل‌زا از اینترنت را گزارش داده‌اند؛ ین، چن، چن و کو (۲۰۰۷) بین اعتیاد به اینترنت، کاهش سطح روابط خانوادگی و افت عملکرد تحصیلی در دانش آموزان همبستگی معنی‌داری را گزارش نموده‌اند؛ و استاوروپولوس، جنتیل و موتی-استیفانیدی (۲۰۱۶) گزارش کردند که استفاده مفرط از اینترنت منجر به اختلال در عملکرد روزانه، اختلال در سلامت روان و کاهش سطح بهزیستی می‌شود. برخی مطالعات دیگر نیز میزان اضطراب اجتماعی، افسردگی (تائو، وو و وانگ، ۲۰۱۶)، رفتارهای عادت‌گونه اجباری و بیش‌فعالی را در افراد دچار وابستگی به اینترنت بیشتر از سایر افراد گزارش نموده‌اند (مارشال، ۲۰۱۴، به نقل از لوتز و همکاران، ۲۰۱۶). نکته مهم قابل ذکر درباره پیامدهای منفی گزارش شده این است که به دلیل ماهیت همبستگی این پژوهش‌ها نمی‌توان استنباط نمود که آیا

1. using the internet world statistics
2. problematic use of the internet
3. Marshall

استفاده مشکل‌زا از اینترنت مولد این پیامدهاست یا این که استفاده افراطی از اینترنت خود در نتیجه این اختلال‌ها به وجود می‌آید؟ و از این نظر در بین محققان این حوزه تردید وجود دارد.

از سوی دیگر، در کنار بررسی پیامدهای استفاده مشکل‌زا از اینترنت تعداد کمی از پژوهش‌ها بر شناسایی برخی پیشایندهای مرتبط با آن متمرکز شده‌اند. یکی از متغیرهایی که پژوهش‌ها به نقش تعیین‌کننده آن در پیش‌بینی استفاده افراطی از اینترنت اشاره دارند، کارکرد خانواده است. کارکرد خانواده به عنوان توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده، حل تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا، موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده تعریف شده است (پورتس و هاول، ۲۰۰۲، به نقل از مومنی و علیخانی، ۱۳۹۲). یکی از اولین مدل‌های نظری درباره کارکرد خانواده توسط اپستین، بالدوین و بیشاب (۱۹۸۳، به نقل از کاباسکال، ۲۰۱۵) مطرح شده است، در این مدل، کارکرد خانواده متشکل از شش مؤلفه حل مسئله، نقش‌ها، ارتباط، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد که روی هم رفته یک بعد کلی را به نام عملکرد کلی خانواده تشکیل می‌دهند. از منظر این پژوهشگران، یک خانواده سالم، روابط و تعامل اعضایش را بهبود می‌بخشد، از نظر ساختاری و کارکردی انعطاف‌پذیر است، اعضای آن به‌طور دائم در حال رشد هستند و عشق غیر مشروط، همکاری، همبستگی و گفتگوی سالمی بین اعضا به خصوص فرزندان و والدین در جریان است (کوکتراک، ۲۰۱۰). شنورمانسی، شنورمانسی، گولچو و کوان (۲۰۱۴) تفاوت معنی‌داری در مؤلفه‌های کارکرد خانواده در افراد دچار اعتیاد به اینترنت و افراد عادی گزارش نمود. مطالعه ین و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد افراد وابسته به اینترنت نسبت به افراد عادی، رضایت کمتری از خانواده داشته، احساس می‌کنند والدین توجهی به آنها ندارند و تعارضات بین والدین آنها بیشتر است. گونوک و دوغان (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که وابستگی به اینترنت صرفاً یک مشکل فردی نیست بلکه خانواده در آن نیز مسئول است و از این رو پیامدهای آن خانواده را متأثر می‌سازد. پژوهش کاباسکال (۲۰۱۵) نشان داد که معیوب بودن کارکرد خانواده یکی از دلایل شکل‌گیری استفاده افراطی از اینترنت در میان نوجوانان ترکیه‌ای است. اتلو (۲۰۰۸، به نقل از کاباسکال، ۲۰۱۵) در تبیین این رابطه بیان می‌کند که اختلال‌های اضطرابی و افسردگی از مهمترین پیامدهای زندگی در یک خانواده ناسالم است و این خود می‌تواند منبع بسیاری از اختلال‌های دیگر از جمله اعتیاد به مواد مخدر، مصرف دارو و یا استفاده افراطی از اینترنت گردد. برخی پژوهش‌ها نیز همبستگی منفی بین انسجام خانواده و اعتیاد به اینترنت گزارش نموده‌اند؛ از جمله، احمدی، عبدالملکی، افسردیر و سید اسماعیلی (۱۳۸۹) نوع روابط خانوادگی و میزان صمیمیت

- 
1. family function
  2. Portes & Howell
  3. Epstein, Baldwin, & Bishop
  4. Otelu

در اعضای خانواده را با مصون‌سازی دانشجویان در فضای مجازی مرتبط دانسته‌اند. جدا از بررسی اثرات مستقیم کارکرد خانواده بر استفاده افراطی از اینترنت، برخی پژوهش‌ها به بررسی میانجی‌های این دو متغیر پرداخته‌اند. پارک، کیم و چو (۲۰۰۸) نشان دادند که نگرش‌های والدینی، ارتباطات خانوادگی، انسجام خانواده و مواجهه با خشونت، خصوصاً خشونت والدین علیه کودک با اعتیاد به اینترنت در ارتباطند. وارنبرگ و همکاران (۲۰۱۳) معتقد است که خانواده از طریق آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند سازگاری فرد را در جنبه‌های مختلف زندگی افزایش دهد و یکی از این مهارت‌های مهم، توانایی خودکنترلی یا خودنظارتی است. خودکنترلی به توانایی کنترل رفتارها، احساس‌ها و غرایز با وجود برانگیختن آنها اشاره دارد. یک فرد برخوردار از خودکنترلی، قبل از انجام هر عملی، زمانی را صرف فکر کردن درباره انتخاب‌ها و نتایج احتمالی آنها می‌کند و سپس به انتخاب و اجرای آن می‌پردازد (فرایرز و هوفمن، ۲۰۰۹). مایر، سالوی و کارسو (۲۰۰۴) خودکنترلی را تحت عنوان کاربرد صحیح هیجان‌ها توضیح می‌دهند، از دید آنها قدرت تنظیم هیجان‌ها موجب افزایش ظرفیت شخصی برای تسکین خود، درک کردن اضطراب‌ها، افسردگی‌ها یا بی‌حوصلگی‌های متداول می‌شود. لی، نیومن، لی و زنگ (۲۰۱۶) نشان دادند که خانواده‌های با کارکرد سالم حمایت متعادلی از اعضای خود به عمل می‌آورند و این امر سبب بهبود خودکنترلی و در نتیجه کاهش اعتیاد به اینترنت در بین آنها می‌گردد. لی، گالند و هووارد (۲۰۱۲) و ریان و ژنوس (۲۰۱۱) رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی تکانشگری و ضعف در خودکنترلی را با وابستگی به اینترنت مثبت گزارش داده‌اند. متغیر دیگری که می‌تواند در رابطه بین کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از نقش میانجی ایفا نماید، هوش هیجانی است. هوش هیجانی به عنوان ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجان‌های خود و دیگران تعریف شده است (مایر و سالوی، ۱۹۹۷، به نقل از سیف، ۱۳۹۲). افراد به کمک هوش هیجانی بهتر می‌توانند احساس‌های خود را شناسایی و به ریشه‌های غم و شادی خود پی ببرند و آنها را مدیریت کنند. همچنین، درک احساس‌ها و نیازهای دیگران زمینه همدلی و احساس مسؤلیت در قبال آنها را افزایش می‌دهد. این توانایی هیجانی برخلاف هوش شناختی که بیشتر منشاء وراثتی دارد، عوامل محیطی در شکل‌گیری آن نقش پررنگ‌تری دارند (کارتز، ۲۰۰۹، ترجمه: امیری نیا و آقازاده، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها (کارتز، ۲۰۰۹، ترجمه: امیری نیا و آقازاده، ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که اساس هوش هیجانی در محیط خانواده شکل می‌گیرد و والدین با صحبت کردن، مکث کردن، توجه کردن به بیان احساس‌ها و حالات هیجانی فرزندان، دادن فرصت تمرین هیجان‌ها به او و ارائه الگوی مناسب به آنها می‌توانند سنگ بنای روابط اجتماعی و پرورش هیجانی را در فرزندان پایه‌ریزی نمایند. دلسچیو، دی ریزو و سالکونی (۲۰۱۵) دریافتند که بین کارکرد خانواده و هوش هیجانی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود

- 
1. self-control
  2. self-mentoring
  3. emotional intelligence
  4. Carter

دارد. جیمز، ریون، جنیفر، اسکاتی و لورا (۲۰۰۸) نشان دادند که بین هوش هیجانی و میزان وابستگی به بازی‌های اینترنتی رابطه متوسط تا نیرومندی وجود دارد. لی، زانگ، لی، ذن و وانگ (۲۰۱۰) نیز در پژوهش مشابهی به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان وابسته به اینترنت به نسبت دانش‌آموزان عادی از هوش هیجانی پایین‌تری برخوردارند. بنابراین، با توجه به پژوهش‌های ذکر شده، هدف این پژوهش این بود که رابطه کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت را با میانجی‌گری‌های خودکنترلی و هوش هیجانی در مدل پیشنهادی دانشجویان بررسی نماید.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر<sup>۱</sup> بود. جامعه‌ی این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود، که از میان ۱۳ دانشکده، ۴ دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، علوم ورزشی، الهیات و معارف اسلامی و علوم و از هر دانشکده ۳ کلاس (جمعاً ۱۲ کلاس) ۳۲۱ دانشجو به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ۲۸۵ از ۳۲۱ پرسشنامه‌ای که توزیع شده بود ۲۵۸ پرسشنامه برگردانده شدند.

### ابزار اندازه‌گیری

**آزمون اعتیاد به اینترنت یانگ<sup>۲</sup> (IAT).** این آزمون برای اولین بار توسط یانگ (۱۹۹۸)، به نقل از کوک، (۲۰۱۱) طراحی شده و دارای ۲۰ ماده می‌باشد، که ماده‌های آن در یک طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای (بندرت = ۱ تا همیشه = ۵) مرتب شده‌اند. در این آزمون نمره بالا شرکت‌کننده‌ها حاکی از وابستگی بیشتر به اینترنت می‌باشد. سیوموز، دافولی و بریمیوتیز (۲۰۰۸) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این آزمون ۰/۷۶ و ویدیانته و مک موران (۲۰۰۴) ۰/۸۹ گزارش داده‌اند. علوی و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی نشان دادند که پنج عامل مشکلات اجتماعی، تأثیر بر عملکرد، فقدان کنترل، استفاده مرضی از چت روم و بی‌توجهی به وظایف شغلی از این آزمون قابل شناسایی است. در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ و تصحیف این آزمون به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۷ و در تحلیل عاملی تأییدی ساختار پنج عاملی این ابزار تأیید گردید.

**ابزار سنجش کارکرد خانواده<sup>۳</sup> (FAD).** این ابزار بر اساس الگوی کارکرد خانواده مک مستر توسط اپستاین، بیشاب و بالدوین (۱۹۸۳) طراحی و دارای ۶۰ ماده و هفت مؤلفه «نقش‌ها،

1. path analysis
2. Internet Addiction Test of Young
3. Family Assessment Device
4. McMaster

پاسخدهی عاطفی، کنترل رفتاری، آمیزش عاطفی و کارکرد عمومی» می‌باشد، که با استفاده از یک طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (نمره ۱)، موافقم (نمره ۲)، مخالفم (۳) و کاملاً مخالفم (۴) نمره‌گذاری می‌شوند. تعدادی از ماده‌های این آزمون به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. اپستاین و همکاران (۱۹۸۳)، به نقل از کاباسکال، (۲۰۱۵) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مؤلفه‌های این ابزار از ۰/۷۲ تا ۰/۹۷ گزارش دادند. در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ و تنصیف این ابزار به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۶۱ و در تحلیل عاملی تأییدی ساختار هفت عاملی آن تأیید گردید.

**پرسشنامه هوش هیجانی برادبری و گریوز<sup>۱</sup>**. این پرسشنامه توسط برادبری و گریوز (۲۰۰۵)، ترجمه: گنجی، (۱۳۹۲) تدوین شده و دارای ۲۸ ماده می‌باشد، که ماده‌های آن در یک طیف لیکرت ۶ رتبه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۶) مرتب شده است. حسن‌زاده، نیازآذری، ساداتی کیادهی و رضایی (۲۰۱۱) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ و در یک تحلیل عاملی اکتشافی به چهار عامل خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه دست یافتند؛ و علیزاده گورداد، حشمتی و محمودعلیلو (۱۳۹۱) همبستگی این پرسشنامه را با پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن ۰/۶۸ بدست آوردند. عباسی و روشن چلسی (۱۳۸۶) ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۸۸ گزارش دادند. در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ و تنصیف این پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۲ و نیز مدل چهار عاملی این ابزار از طریق تحلیل عاملی تأییدی، مورد تأیید قرار گرفت.

**پرسشنامه خودکنترلی<sup>۳</sup>**. این پرسشنامه توسط تانگی، بامیستر و بون<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) طراحی شده و دارای ۳۶ ماده است، که ماده‌ها در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (اصلاً شباهت ندارد= صفر تا شباهت خیلی زیاد=۴) مرتب شده است. کمینه و بیشینه این پرسشنامه به ترتیب صفر و ۱۴۴ می‌باشد. تانگی و همکاران (۲۰۰۴) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۳ گزارش نموده‌اند. آنگر، بی، ریا و یبارا (۲۰۱۶) نشان دادند که این پرسشنامه با پرسشنامه‌های ابراز مناسب خشم، عزت نفس و هماهنگی در روابط بین فردی همبستگی مثبت و موسوی مقدم، هوری، امیدوی و ظهیری خواه (۱۳۹۳) ضریب روایی همگرا آن را با مقیاس پاسخ‌های هیجانی بهینه و ضریب روایی واگرا آن را با پرسشنامه میزان مصرف مواد معنی‌دار گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ و تنصیف این پرسشنامه به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۶۳ به دست آمد.

1. Bradbery & Greaves Emotional Intelligence Questionnaire
2. BarOn Emotional Intelligence
3. Self-control Questionnaire
4. Tangney, Baumeister, & Boone
5. Appropriate Anger Expression
6. self-esteem
7. Harmony in Interpersonal Relations
8. Optimal Emotional Responses Scale
9. Drug Use Questionnaire

### روند اجرای پژوهش

در پژوهش حاضر ابتدا با همکاری مسئولین دانشگاه اطلاعاتی در مورد تعداد دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی، دانشجویان و کلاس‌ها به دست آمد. سپس به صورت تصادفی از میان ۱۳ دانشکده از دانشگاه شهید چمران اهواز، ۴ دانشکده (علوم تربیتی و روانشناسی، علوم ورزشی، الهیات و معارف اسلامی و علوم پایه) انتخاب شدند. کلیه موازین اخلاق پژوهش از جمله رضایت آگاهانه و اطمینان بخشی به آنها از طریق عدم ضرورت درج نام و نام خانوادگی در پرسشنامه‌ها و انصراف از همکاری رعایت گردید.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی و ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر) و نرم‌افزارهای آماری SPSS-۲۱ و AMOS انجام گردید.

### یافته‌ها

جدول ۱

ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	فراوانی (درصد فراوانی)
جنس	دختر ۱۷۱ (۶۰٪)
	پسر ۱۱۴ (۴۰٪)
مقطع تحصیلی	کارشناسی ۲۳۹ (۸۳٪)
	کارشناسی ارشد ۴۶ (۱۷٪)

جدول ۲

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	انحراف معیار	میانگین	استفاده مشکل‌زا از اینترنت	کارکرد خانواده	هوش هیجانی	خودکنترلی
استفاده مشکل‌زا از اینترنت	۱۱/۸۸	۳۶/۷۸	-	-۰/۰۷	**۰/۲۸	**۰/۱۶
کارکرد خانواده	۱۰/۶۹	۱۴۵/۲۱		-	*۰/۱۲	**۰/۳۶
هوش هیجانی	۱۴/۵۳	۱۱۶/۱۸			-	*۰/۱۱
خودکنترلی	۹/۳۴	۹۳/۰۷				-
				**p < ۰/۰۱		*p < ۰/۰۵

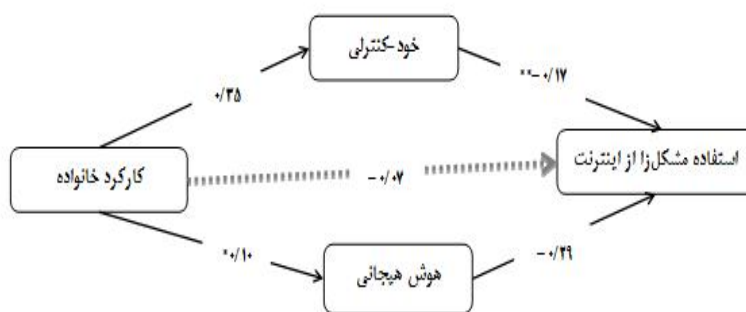
همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، میانگین و انحراف معیار متغیرهای استفاده مشکل‌زا از اینترنت ۳۶/۷۸ و ۱۱/۸۸، کارکرد خانواده ۱۴۵/۲۱ و ۱۰/۶۹، هوش هیجانی ۱۱۶/۱۸ و ۱۴/۵۳ و خودکنترلی ۹۳/۰۷ و ۹/۳۴ به دست آمده‌اند، و بین متغیرهای استفاده مشکل‌زا از اینترنت با هوش هیجانی  $r = -0.28$  ( $p < 0.001$ )، استفاده مشکل‌زا از اینترنت و خودکنترلی  $r = -0.16$  ( $p < 0.002$ )، همبستگی منفی و معنی دار و بین متغیرهای کارکرد خانواده با هوش هیجانی  $r = 0.12$  ( $p < 0.010$ )، کارکرد خانواده و خودکنترلی  $r = 0.36$  ( $p < 0.001$ )، و هوش هیجانی با خودکنترلی  $r = 0.11$  ( $p < 0.001$ )، همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد، اما بین متغیرهای استفاده مشکل‌زا از اینترنت و کارکرد خانواده همبستگی وجود ندارد ( $r = -0.07$ ،  $p = 0.262$ ).

جدول ۳

شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی

شاخص‌های برازندگی	$\chi^2$	df	2/df	IFI	GFI	CFI	AGFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۵/۱۶	۲	۲/۵۸	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۰۴
مدل نهایی	۴/۲۶	۲	۲/۱۳	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۰۳

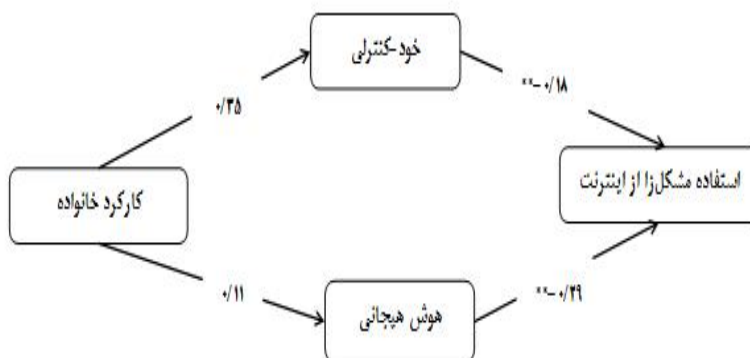
همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی همگی بیانگر برازش مطلوب مدل فرضی با داده‌ها است (نمودار ۱)، و با حذف مسیر غیرمعنی دار کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت، مدل برازش بهتری پیدا کرد (نمودار ۲). در کل، ۴۴٪ از واریانس متغیر وابسته (استفاده مشکل‌زا از اینترنت) توسط متغیرهای کارکرد خانواده، خودکنترلی و هوش هیجانی قابل تبیین هستند.



نمودار ۱

ضرایب مسیر مدل پیشنهادی





نمودار ۲  
ضرایب مسیر مدل نهایی

جدول ۴  
ضرایب مسیر مستقیم مدل‌های پیشنهادی و نهایی

P	نهایی			فرضی			B	مدل مسیرها		
	C.R	S.E	B	P	C.R	S.E				
p < .001	۶/۸۹	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۳۵	p < .001	۶/۳۵	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۳۵	کارکرد خانواده به خودکنترلی
p < .010	۳/۰۹	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۱۱	p < .03	۲/۳۱	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۱۰	کارکرد خانواده به هوش هیجانی
	حذف مسیر				p = ۰/۲۶۲	-۱/۱۲	۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۰۷	کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت
p < .001	-۳/۸۷	۰/۰۶	-۰/۱۹	-۰/۱۸	p = ۰/۰۰۲	-۳/۰۷	۰/۰۷	-۰/۱۸	-۰/۱۷	خودکنترلی به استفاده مشکل‌زا از اینترنت
p < .000	-۵/۲۹	۰/۰۴	۰/۳۲	-۰/۲۹	p < .001	-۵/۱۷	۰/۰۴	۰/۳۱	-۰/۲۹	هوش هیجانی به استفاده مشکل‌زا از اینترنت

همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، همه‌ی ضرایب مسیر مستقیم به جز مسیر کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت ( $p = ۰/۲۶۲$ ,  $r = -۰/۰۷$ ) معنی‌دار هستند.

## جدول ۵

ضرایب مسیرهای غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت استرپ

مسیرهای غیرمستقیم	داده	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا
کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت با میانجی‌گری خودکنترلی	۰/۱۲	۰/۱۲	-۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۷
کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت با میانجی‌گری هوش هیجانی	۰/۰۶	۰/۰۶	-۰/۰۰۰	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۲

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، حد بالا و حد پایین مسیر غیرمستقیم کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت با میانجی‌گری خودکنترلی و حد بالا و حد پایین مسیر غیرمستقیم کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت با میانجی‌گری هوش هیجانی صفر را نمی‌شوند. به عبارت دیگر، خودکنترلی و هوش هیجانی نقش میانجی را بر عهده دارند.

## بحث

یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل پیشنهادی با حذف مسیر کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت - از برازش مطلوبی با داده‌ها در دانشجویان برخوردار است، و پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۱۴)، جیمز و همکاران (۲۰۰۸)، لانه‌ای، لیبینگ و زاهولان (۲۰۱۰) و احمدی و همکاران (۱۳۸۹) یافته‌های این مدل را تأیید می‌کنند. در تبیین معنی‌دار نشدن مسیر مستقیم کارکرد خانواده به استفاده مشکل‌زا از اینترنت احتمالاً یکی از دلایل، شکاف بین نسل‌ها از نظر استفاده از این نوع فناوری در خانواده می‌باشد؛ دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش بیشتر از طبقه متوسط و پایین جامعه بودند و اگرچه آن‌ها چند سالی است که به فناوری اینترنت دسترسی پیدا کرده‌اند، ولی خانواده‌های (والدین) آنها به‌طور کلی آشنایی بسیار کمی با این رسانه دارند و چه بسا خیلی از آنها به این رسانه دسترسی ندارند و یا حتی از اسم آن خبر ندارند. بنابراین، می‌توان گفت اگرچه کارکرد این خانواده‌ها در زمینه‌های دیگر می‌تواند با عملکرد فرزندان‌شان (دانشجویان) مرتبط باشد ولی به دلیل عدم آشنایی یا آشنایی کم خانواده‌های آنها در زمینه استفاده از اینترنت رابطه مستقیم بین این دو متغیر معنی‌دار نشد. علت احتمالی دیگر می‌تواند این باشد که در این سن (دامنه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال) آنچه بیشتر از همه می‌تواند در شکل‌گیری رفتارهای دانشجویان نقش داشته باشد، گروه همسالان می‌باشد؛ زیرا بر طبق نتایج پژوهش‌ها در این دوره سنی هیجان‌های منفی نسبت به والدین افزایش و هیجان‌های مثبت نسبت به همسالان افزایش می‌یابد (ریمس، ۲۰۱۲).

نتایج نشان داد که خودکنترلی میانجی بین کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت است، که این یافته با پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۱۴) و وارتبرگ و همکاران (۲۰۱۳) همخوان است. در تبیین

این یافته می‌توان گفت که خانواده از طریق آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند سازگاری فرد را در جنبه‌های مختلف زندگی افزایش دهد و یکی از این مهارت‌های مهم برای سازگاری بهتر، توانایی خودکنترلی است (وارتبرگ و همکاران، ۲۰۱۳). لذا، هرچه خانواده وظایف و کارکردهایش (شامل توانایی در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضاء، موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر نهاد خانواده با هدف حفاظت از آن) را به شکل مثبت‌تری ایفا نماید به احتمال بیشتری اعضای آن به خصوص فرزندان دارای من رشد یافته‌تر و در نتیجه خودکنترلی و خودنظارتی بهتری خواهند بود. بنابراین، طبیعی است وقتی فرزندان در نتیجه کارکرد صحیح خانواده به خودکنترلی نیرومندی دست یابند، در برابر تکانه‌ها و وسوسه‌ها، بهتر و بیشتر می‌توانند رفتار خودشان را کنترل نمایند و همان‌طور که گفته شد استفاده مشکل‌زا از اینترنت نوعی وابستگی است که می‌تواند تکانه شدیدی را برای ورود و ماندن در اینترنت و شبکه‌های مجازی ایجاد نماید. به همین خاطر می‌توان گفت که یک خانواده متعادل (با داشتن کارکرد مثبت) حمایت متعادلی از فرزندان خود می‌نماید و بدین طریق خودکنترلی و استقلال آنها را برای تصمیم‌گیری در شرایط وسوسه انگیز تقویت می‌نماید و نهایتاً این امر می‌تواند استفاده مشکل‌زا از اینترنت را در دانشجویان کاهش دهد.

یافته دیگر نشان داد که هوش هیجانی میانجی بین کارکرد خانواده با استفاده مشکل‌زا از اینترنت است، این یافته با پژوهش‌های لانها و همکاران (۲۰۱۰) و جیمز و همکاران (۲۰۰۸) هماهنگ است. بر طبق پژوهش‌ها درون‌مایه هوش هیجانی در محیط خانواده (در خانواده با کارکرد سالم) شکل می‌گیرد و والدین با صحبت کردن، مکث کردن، توجه کردن به بیان احساس‌ها و حالات هیجانی کودک، دادن فرصت تمرین هیجانها به او و ارائه الگو مناسب می‌توانند سنگ بنای روابط اجتماعی و پرورش هیجانی را در کودکان بنا کنند (کارتر، ۲۰۰۹، ترجمه: امیری نیا و آقازاده، ۱۳۹۳). از طرف دیگر، ارتقاء بهره هیجانی کودک، خود پیش‌بینی کننده معنی‌داری برای بسیاری از بازده‌های تحصیلی و غیرتحصیلی از جمله مدیریت هیجانها می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که هوش هیجانی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از وابستگی به اینترنت دارد (آلجر، ۲۰۱۱). بنابراین، می‌توان گفت که خانواده با ایفای مناسب کارکردهای خود هوش هیجانی فرزندان را ارتقاء می‌بخشد و فرزندان با هوش هیجانی بالاتر به احتمال بیشتری می‌توانند وقت، احساس‌ها و رفتار خود را در فضای مجازی و اینترنت که پر از سرگرمی‌های متنوع است، مدیریت می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کارکرد خانواده به صورت مستقیم با استفاده مشکل‌زا از اینترنت در دانشجویان ارتباطی ندارد، ولی به صورت غیرمستقیم و از طریق افزایش سطح خودکنترلی و هوش

هیجانی فرزندان می‌تواند از استفاده مشکل‌زا از اینترنت در دوره دانشجویی جلوگیری نماید. بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، خانواده‌ها با کارکرد سالم خود می‌توانند سطح خودکنترلی فرزندان را - در برابر وسوسه‌ها و تکانه‌های سوق‌دهنده به سرگرمی‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی- افزایش دهند و از این رو از استفاده بی‌رویه و مشکل‌زای دانشجویان از فضای مجازی جلوگیری نمایند. از طرف دیگر، خانواده‌ها می‌توانند با انجام صحیح وظایف و کارکردهای خود شیوه‌های ابراز، مدیریت و کنترل هیجانات را به فرزندان بیاموزند و از این رهگذر هوش هیجانی آنها را تقویت نمایند؛ افزایش هوش هیجانی نیز می‌تواند مدیریت زمان، روابط و احساسات را در فرزندان پرورش دهد و به همین خاطر می‌توان نتیجه گرفت که یک دانشجو با هوش هیجانی بالاتر کمتر دچار استفاده مشکل‌زا از اینترنت می‌شود. شایان ذکر است که پژوهش حاضر رابطه بین کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت را در دوره دانشجویی بررسی کرده است، لذا در تعمیم نتایج آن به سایر گروه‌های سنی به خصوص کودکان باید احتیاط نمود؛ چرا که فاصله این دو متغیر (کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت) از نظر زمانی در دانشجویان نسبت به کودکان بسیار زیاد است و همین امر (فاصله زمانی و رویدادهای وابسته با آن) می‌تواند بر رابطه مستقیم این دو متغیر تأثیرگذار باشد. لذا، پیشنهاد می‌شود مدل مورد نظر روی کودکان و همچنین روی دختران و پسران به صورت جداگانه بررسی گردد. همچنین، با توجه به مؤثر بودن نقش خانواده‌ها در شکل‌گیری خودکنترلی و هوش هیجانی پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها در برنامه‌های خود به آموزش خانواده‌ها بپردازند و اهمیت نقش خانواده و مسئولیت‌ها و کارکردهای صحیح خانواده را برای آنان گوشزد و در صورت نیاز آموزش داده شود. به علاوه، نظر به اهمیت نقش هوش هیجانی و خودکنترلی در پیشگیری از وابستگی به فضای مجازی، به مسئولین امور دانشجویی پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی و اثربخشی جهت تقویت این دو مهارت در دانشجویان برگزار نمایند. در پایان بر خود لازم می‌دانم که از زحمات تمامی افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر که نهایت همکاری را داشته‌اند، قدردانی نمایم.

### منابع

- احمدی، خدابخش؛ عبدالملکی، هادی؛ افسردیر، بیتا و سید اسماعیلی، فتح‌الله. (۱۳۸۹). نقش عوامل خانوادگی در نوع و میزان استفاده از اینترنت. *مجله علوم رفتاری*، ۴ (۴)، ۲۲-۲۱.
- اورنگ، طیبیه. (۱۳۸۳). *بررسی علل روانی چت کردن در شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

۷۷ بررسی رابطه مدل کارکرد خانواده و استفاده مشکل‌زا از اینترنت با میانجی‌گری‌های خودکنترلی و هوش هیجانی

برادبری، تراویس و گریوز، جین. (۲۰۰۶). هوش هیجانی (مهارت‌ها و آزمون‌ها)، ترجمه: مهدی گنجی (۱۳۹۲). تهران: نشر ساوالان.

سایت مرکز توسعه اینترنت ملی. (۱۳۹۴). *آمار کاربران اینترنت در ایران بین سال‌های ۹۳ تا ۹۴*. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش (ویرایش ششم). تهران: انتشارات دوران.

عباسی، روح‌الله و روشن‌چلسی، رسول. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین باورهای مذهبی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله دانشور و رفتار*، ۱۷(۴۳)، ۳۸-۳۱.

علیزاده‌گورادل، جابر؛ حشمتی، رسول و محمودعلیلو، مجید. (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی در پرستاران. *مجله علوم پزشکی دانشگاه شیراز*، ۳۴(۵)، ۵۲-۴۶.

علوی، سیدسلیمان؛ اسلامی، مهدی؛ مرآتی، محمدرضا؛ نجفی، مصطفی؛ جنتی‌فرد، فرشته و رضایپور، حسین. (۱۳۸۹). ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون اعتیاد به اینترنت یانگ، *مجله علوم رفتاری*، ۱۸۹-۱۸۳.

فلاح‌منهه، تورج. (۱۳۸۶). اختلال اعتیاد به اینترنت. *روانشناسی رسانه*، ۱، ۳۱-۲۶.

کارتر، فیلیپ. (۲۰۰۹). *هوش هیجانی خود را بسنجید*. ترجمه: محمود امیری نیا و پریسا آقازاده (۱۳۹۳). تهران: نشر آراسته.

موسوی‌مقدم، سید رحمت‌الله؛ هوری، سهیلا؛ امیدی، عباس و ظهیری‌خواه، ندا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه. *فصلنامه علوم پزشکی ایلام*، ۲۵(۱)، ۵۹-۶۴.

مؤمنی، خدامراد و علیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳، ۲۲-۲۹۷.

Alegre, A. (2011). Parenting styles and children's emotional intelligence: What do we know? *The Family Journal*, 19 (1), 56-62.

Caplan, S. E. (2005). A social skill account of problematic internet use. *Journal of Communication*, 55, 721-736.

Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of Marital and Family Therapy*. 9 (2), 171-180.

- Friese, M., & Hofman, W. (2009). Control me or I will control you: Impulses, trait self-control, and the guidance of behavior. *Journal of Research in Personality*, 43, 795–805.
- Gunuc, S., Dogan, A. (2013). The relationship between Turkish adolescents' Internet addiction, their perceived social support and family activities. *Computer in Human Behavior*, 29: 2197-2207.
- Hassanzadeh, R., Niazazari, K., Sadatikiadehi, S. M., & Rezaei, A. (2011). Rate emotional intelligence in different educational stages: A comparative study. *Middle-East Journal of Scientific Research* 10 (5), 614-618.
- James, D. A., Robyn, N. T., Jennifer, M. E., Stacey, L. S., & Laura, M. W. (2008). Posted to abuse addiction adolescence attitudes behaviors Canada computer emotional gambling game. *Personality and Individual Differences*, 45, 2,174-180.
- Kabasakal, Z. (2015). Life satisfaction and family functions as predictors of problematic internet use in university students. *Computers in Human Behavior*, 53,294-304.
- Kelley, K. J., & Gruber, E. M. (2010). Psychometric properties of the Problematic Internet Use Questionnaire. *Computers in Human Behavior*, 26, 1838-1845.
- Koc, M. (2011). Internet addiction and psychopathology. *The Online Journal of Educational Psychology*, 10 (1), 143-148.
- Kocatürk, E. (2010). Father's involvement in family functioning and adolescent development. *Turkish psychological counseling and guidance magazine*, 4(33), 37–45.
- Lan-hua, L., Li-ping, Z., & Zhao-lan, L. (2010). Impact of emotional intelligence on internet addiction disorder among students at a college in Weifang. *Preventive Medicine Tribune*, 5, 209-210.
- Li, D., Zhang, W., Li, X., Zhen, S., & Wang, Y. (2010). Stressful life events and problematic Internet use by adolescent females and males: A mediated moderation model. *Computers in Human Behavior*, 26, 1199–1207.
- Li, W., Garland, E. L., & Howard, M. O. (2014). Family factors in Internet addiction among Chinese youth: A review of English and Chinese-language studies. *Computer Human Behavior*, 31, 393–411.

- Li, X., Newman, J., Li, D. P., & Zhang, H. (2016). Temperament and adolescent problematic Internet use: The mediating role of deviant peer affiliation. *Computers in Human Behavior*, 60, 342-350.
- Lutz, W., Romuald, B., Levente, K., Tony, D., Peter, P., & Michael, K. (2016). Psychopathological factors associated with problematic alcohol and problematic Internet use in a sample of adolescents in Germany. *Psychiatry Research*, 240, 272-277.
- Lytras, M., & Pablos, P. O. (2011). Software technologies in knowledge society. *International Journal of Universal Computer Science (JUICS)*, 17 (9), 1219-1221.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. (2004), "Emotional intelligence: Theory, findings, and implications", *Psychological Inquiry*, 15, 197-215.
- Park, S. K., Kim, J. Y., & Cho, C. B. (2008). Prevalence of internet addiction and correlations with family factors among South Korean adolescents. *Adolescence*, 43, 895-909.
- Remmes, C. (2012). Parental Distress Responding to Adolescent Negative Emotionality: Influence on Anxiety and Depression Symptom Severity and Treatment Outcome. Scholarly Repository, University of Miami, Electronic Thesis and Dissertations.
- Ryan, T., & Xenos, S. (2011). Who uses Facebook? An investigation into the relationship between the Big Five, shyness, narcissism, loneliness, and Facebook usage. *Computers in Human Behavior*, 27 (5), 1658e1664.
- Siomos, K. E., Dafouli, E. D., & Braimiotis D. A. (2008). Internet addiction among Greek adolescent students. *Cyber Psychology Behavior*, 11, 653-657.
- Stavropoulos, V., Gentile, D., & Motti-Stefanidi, F. (2016). A multilevel longitudinal study of adolescent Internet addiction: The role of obsessive-compulsive symptoms and classroom openness to experience. *European Journal of Developmental Psychology*, 13, 99-114.
- Senormancı, O., Senormancı, G., Guçlu, O., Konkan, R. (2014). Attachment style and family functioning in patients with Internet addiction. *General Hospital Psychiatry*, 36: 203-207.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better

- grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*, 72 (2), 271-324.
- Tao, Z., W, G., & Wang, Z. (2016). The relationship between high residential density in student dormitories and anxiety, binge eating and Internet addiction: A study of Chinese college students. *Springer Plus*, 5, 1-8.
- Unger, A., Bi, C., Xiao, Y. Y., & Ybarra, O. (2016). The revising of the Tangney Self-Control Scale for Chinese students. *Psychology Journal*, 5 (2), 101-16
- Wartberg, L., Kammerl, R., Rosenkranz, M., Hirschhäuser, L., Hein, S., Schwinge, C., & Rainer, T. (2013). The interdependence of family functioning and problematic internet use in a representative quota sample of adolescents. *Cyberpsychology Behavior Social Networking*, 17 (1), 4-8.
- Widyanto, L., & McMurrin, M. (2004). The psychometric properties of the internet addiction test. *Cyber Psychology Behavior*, 7(4), 443-450.
- Yau, Y. H., Potenza, M. N., & White, M. A. (2013). Problematic internet use, mental health and impulse control in an online survey of adults. *Journal of Behavioral Addictions*, 2 (2), 72-79.
- Yen, J. Y., Yen, C. F., Chen, C. C., Chen, S. H., & Ko, C. H. (2007). Family factors of internet addiction and substance use experience in Taiwanese adolescents. *Cyber Psychology and Behavior*, 10(3), 323-329.